

تطبیق و مقایسه دجال در اسلام با آنتی کرایست در مسیحیت

عباس همامی^۱

احسان پوراسماعیل^۲

چکیده:

یکی از نقاط مشترک در ادیان ابراهیمی، وجود یک نجات دهنده در آخرالزمان است که بر اساس آن شاهد استیلاي حکومت صالحان در جهان خواهیم بود. با بررسی مآثورات ادیان آسمانی به علائم و نشانه‌هایی مشترک برای فرارسیدن زمان این رویداد بزرگ، پی می‌بریم که یکی از آنها ظهور دجال با عنوان اسلامی و آنتی کرایست یا ضد مسیح با عنوان مسیحی آن است. اگرچه تصوّر هر یک از دو مکتب در پیشینه و پسینه این عنوان در بعضی موارد متفاوت است اما می‌توان به نقاط مشترکی در حضور دجال در جامعه پی‌برد که مهمترین آن رویارویی با مصلح در برپایی حکومت عدالت محور است. در این مقاله، ضمن بررسی پیشینه موضوع آنتی کرایست در مسیحیت به عملکرد وی در مآثورات اسلامی اشاره خواهد شد تا به نقاط مشترک و غیر مشترک معلوم گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن، حدیث، مهدویت، ظهور، عهد جدید، دجال، آنتی کرایست (ضد مسیح).

۱- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و نیمه وقت واحد تهران شمال

E-mail:hemami@quranhadith-ngo.ir

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث و مدرس مدعو واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

E-mail:ehsanpouresmaeil@yahoo.com

طرح مسأله

به اعتقاد ادیان الهی و بشری، جهان در پایان عمر خود، نجات بخشی را تجربه خواهد کرد که با سامان بخشیدن مشکلات انسان، روزگاری همراه با آسایش را برای او رقم خواهد زد؛ که در پی آن، عدل در پهنه گیتی گسترش می‌یابد و ایمان در جای جای جهان رخ می‌نماید.

در آیین هندیان باستان «کالکی» دهمین ظهور ویشنو سوار بر اسبی سفید خواهد شد و شمشیر درخشان در دست خواهد گرفت و عصر طلایی را آغاز خواهد کرد. (شایگان، ۲۷۴/۱) سوشیانس^۱ در آیین زردتشت و اوستای جدید، جهان مطلوب آینده و شهرستان نیکویی را می‌سازند (مقدم، ۱۱) که او آخرین آفریده هر مزدی و از تبار فروهرش^۲ ستودنی است. در آیین یهود جهان مطلوب آینده را ماشیح (= مسیح) خواهد ساخت که نمونه ای از این پیش گویی‌ها را می‌توان در منابع این دین مطالعه کرد. (نک: کهن، ۳۵۱-۳۵۲)

در مسیحیت پسر انسان نشانی از همان نجات بخش وعده داده شده است که با بازگشت مسیح به صحنه هستی همراه است. مستر هاکس در قاموس کتاب مقدس بین اصطلاح پسر انسان و باور بازگشت مسیح تفاوت قائل شده و می‌گوید: «اصطلاح پسر انسان هشتاد بار در عهد جدید به کار رفته که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است و پنجاه مورد دیگر از مصلح و نجات دهنده ای سخن می‌گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد». (همو، ۲۱۹) او در ادامه به معرفی منجی نمی‌پردازد یا به عبارت بهتر توانایی این معرفی را ندارد؛ اگر چه با مراجعه به منابع اسلامی به رهیافتی مناسب در این زمینه خواهیم رسید. در منابع و متون اسلامی به ظهور موعودی، از نسل آخرین پیامبر خدا در زمین، به نام حضرت مهدی (علیه السلام) با عنوان مصلح و رهبر جهان در پایان روزگار بشری یاد شده است. (پوراسماعیل، ۲۰۳-۲۷۵)

۱ - واژه سوشیانس در اوستای جدید به صورت مفرد و جمع دارای معانی مختلفی است که همگی حاکی از نجات بخشی در آینده بشر دارد. (نک: راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ۶)

۲ - فروهر یا فرموشی که در اوستا Fravasi و در فارسی باستان: Fravarti و در فارسی میانه: frawahr و در فارسی نو همان فروردین است که بازمانده حالت اضافه جمع آن در فارسی باستان است. (نک: راشد محصل، اندر ساخت مردمان)

نگاه شیعه به بحث نجات بخش جهان، نگاهی فرا مکتبی است به این ترتیب که در همه امت‌ها، مردم منتظر برقراری نظام مهدوی (ع) در سراسر گیتی‌اند؛ از امام علی (ع) در این باره نقل شده است:

«لم یکن فی أمة من الامم مهدی ینتظره غیره» (طبری، ۲۵۶) یعنی: در هیچ یک از امت‌ها، منتظر مهدی غیر از او نبوده‌اند.

جدای از سخن مشترک ادیان از وجود یک نجات بخش در پایان دنیا، ادیان مختلف به خصوص ادیان الهی برای آمادگی هر چه بیشتر پیروان خود، با پیشگویی نسبت به آینده، آنان را از خطرات و مشکلات فرا رو بر حذر داشته‌اند.

اگر چه کتاب مقدس دستخوش تحریف شده است (نک: پوراسماعیل، ۲۶) اما با واکاوی و دقت نظر می‌توان با مقایسه صحیح ادیان با اسلام، در گام اول به نقاط مشترکی از آموزه‌ها و باورهای آنان با اسلام پی برد و در گام بعدی به تکامل اسلام نسبت به سایر ادیان آسمانی اذعان داشت.

یکی از عنوان‌های مشترک بین منابع اسلامی و مسیحی، اصطلاح دجال یا آنتی کرایست است؛ که بر اساس هر دو مکتب در آینده حیات بشری پدیدار خواهد شد. اگرچه نام دجال در قرآن بر خلاف عهد جدید به صراحت نیامده است، اما با جستجو در مآثورات اسلامی می‌توان به این مفهوم در اخبار مربوط آینده از زبان پیشوایان دین دست یازید.

نکته مهم در بررسی پیرامون نقل قول‌ها درباره آینده بشر این است که ماهیت این اخبار چون پیش گویی است وقوع و عدم آن امری ممکن است؛ به عبارت دیگر ظهور منجی در قرآن و روایات به عنوان ضروری دین مطرح شده است، اما پیش گویی‌ها نسبت به آینده بداء پذیر است. (همو، ۵۴)

دجال در لغت

دجال معادل دروغ‌گو و کسی است که حق را کتمان می‌کند؛ از هری می‌گوید: «کل کذاب فهو دجال و جمعه دجالون، وقیل: سُمی بذلك لأنه یستر الحق بکذبه». (ابن منظور،

فراهیدی، مفهوم دَجَّال را دقیقاً در برابر حضرت عیسی (ع) معرفی می‌کند. «الدَّجَّال: هو المسيح الكذاب، و إنما دَجَّلَهُ سِخْرَهُ وَ كَذَّبَهُ». (همو، ۸۰/۶)

ابن منظور به نقل از ابن سیده، دَجَّال را مردی از یهود معرفی می‌کند که در آخر الزمان با هدف برخورد با حق و جایگزین کردن باطل خروج می‌کند؛ عده‌ای نیز او را مدعی ربوبیت معرفی می‌کنند. «المسیح الدَّجَّال رجل من یهود یخرج فی آخر هذه الأمة، سمی بذلك لأنه یَدْجُلُ الحقَّ بالباطل، و قیل: بل لأنه یُعْطِی الأرض بكثره جموعه، و قیل: لأنه یُعْطِی علی الناس بکفره، و قیل: لأنه یدْعی الربوبیه، سمی بذلك لکذبه، و کل هذه المعانی متقارِب؛ قال ابن خالویه: لیس أحد فسّر الدَّجَّال أحسن من تفسیر أبی عمرو قال: الدَّجَّال المُمَوَّ». (همو، ۲۳۷/۱۱)

در اصطلاح علم الحدیث، روایانی که درباره‌ی آنها تعبیری به کار رفته که مبالغه در دروغ‌گویی آنان باشد به (بکذَب دَجَّال) نامبردار می‌شوند؛ این دسته از روایات فاقد اعتبار و ارزش نقل و احتجاج ندارد. (نک: معارف، ۳۵۸)

دَجَّال در اصطلاح روایات اسلامی

با بررسی آن چه از روایات اسلامی برمی‌آید می‌توان گفت دَجَّال عبارت از کسی است که با انکار منجی آخر الزمان و رویارویی با وی درصدد شکست حکومت جهانی مصلح است.

پیشینه اعتقاد به ضد مسیح

مسترهاکس در قاموس کتاب مقدس در سرتاسر اناجیل اریعه و ملحقات آن برای واژه دَجَّال جایی جز رساله یوحنا^۱ پیدا نمی‌کند و مقصود از دَجَّال را کسی می‌داند که با مسیح (ع) مقاومت و ضدیت می‌کند و مدعی جایگاه اوست. (همو، ۳۷۵)

۱- انجیل یوحنا در حدود سال ۱۴۰ میلادی توسط یوحنا در آسیای صغیر (ترکیه کنونی) نوشته شده است. (آریا، ۱۶۵۵) نویسندگان قدیم انجیل یوحنا را آخرین انجیل دانسته‌اند و کلیسای قرن اول عقیده داشت که این انجیل توسط یوحنا رسول نوشته شده، اگر چه شهادت «ایرینیوس» که شاگرد «پلیکارپ» و او هم شاگرد

محتوای مکاشفات یوحنا را می‌توان بر اساس هر یک از رویاهای اصلی یوحنا به چهار قسمت تقسیم نمود:

۱- رویای اول: که مسیح را در حال سخن گفتن با کلیساها می‌بیند.

۲- رویای دوم: مسیح بر کائنات تسلط می‌یابد.

۳- رویای سوم: طی آن مسیح بر همه قدرتهای شریر پیروز می‌شود.

۴- رویای چهارم: که در آن شاهد سلطنت مسیح در کره زمین است.

آن چه در این تقسیم بندی مشخص است این است که بیشتر رویاهای یوحنا مربوط به آینده است؛ با این سخن روشن می‌شود که چرا بیش از هر جایی ردپای ضد مسیح را باید در مکاشفات یوحنا جست با این حال باید توجه داشت که ادبیات یوحنا استعاری و سمبولیک است که بسیاری برای فهم آن به استفاده از عهد عتیق روی می‌آورند. (هلی، ۷۴۰)

در رساله اول یوحنا رسول آمده است: «ای بچه‌ها، این ساعت آخر است و چنان که شنیده اید که دجال می‌آید، الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند و از این می‌دانیم که ساعت آخر است». (همانجا، ۲: ۱۸)

بر این اساس یکی از نشانه‌های ساعت آخر یا به تعبیر اسلامی آن آخر الزمان، ظهور دجال است؛ اگر چه در ادامه به این مطلب اشاره شده که در هر زمان دجال می‌تواند مصداقی پیدا کند؛ با این بیان می‌توان اینطور نتیجه گرفت که دجال ممکن است فرد خاصی نباشد بلکه می‌تواند جریان خاصی باشد، چنان چه در ادامه نامه تعریف دقیقی از دجال ارائه می‌شود: «دروغگو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند. آن دجال است که پدر و پسر را انکار می‌نماید، کسی که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد و کسی که اعتراف به پسر نماید، پدر را نیز دارد». (همانجا، ۲: ۲۴-۲۲)

فرد یا جریان خاص دجال در پی انکار حضرت عیسی (ع) هستند که بر اساس آموزه‌های انجیل چنین شخصی از خدا نیست «و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست. و این است روح دجال که شنیده اید که او می‌آید و

الآن هم در جهان است» (همانجا، ۴: ۳ و ۴) به این ترتیب در موارد مختلفی در ملحقات اناجیل شاهد منکران حضرت عیسی (ع) با عنوان دجال هستیم. «زیرا گمراه کنندگان بسیار به دنیا بیرون شدند که عیسی مسیح ظاهرشده در جسم را اقرار نمی‌کنند. آن است گمراه کننده و دجال». (رساله دوّم یوحنا، ۷)

تقریباً همه مفسران اناجیل از دجال در ضمن استفاده از مکاشفه یوحنا اشاره می‌کنند، با این حال اختلاف اصلی آنان را باید در مورد باب خاصی که در آن از وی یاد شده دانست که نظرات آنان به قرار زیر است:

۱- برخی به «وحش». (همانجا، ۱۱: ۷)

۲- برخی به «آزدهای آتشگون». (همانجا، ۱۲)

۳- برخی به وحشی که ده شاخ و هفت سر دارد. (همانجا، ۱۳ به بعد)

۴- بسیاری از محققان، دجال را بر وحشی که «دو شاخ مثل شاخ‌های بره» داشت و «مانند آژدها» سخن می‌گفت (همانجا، ۱۱: ۱۳ و آیات بعدی) یا بر وحش قرمزی که «هفت سر و ده شاخ داشت» (همانجا، ۱۷) یا در نهایت به شیطانی که «از زندان خود خلاصی خواهد یافت» و امت‌ها را گمراه خواهد کرد (همانجا، ۷: ۲۰ و آیات بعدی) منطبق می‌دانند. «دایره المعارف کاتولیک، مدخل دجال»

پولس نیز درباره ظهور آنتی کرایست خبر داده است اما تعبیر او «مرد شریر» و «نرزنند هلاکت» است؛ بدین ترتیب برای رسیدن به روز مسیح این مرد ظاهر می‌شود و گروهی را مرتد می‌کند. (نک: دوّم تسالونیکیان، ۲: ۴-۱)

ظهور ضد مسیح حداقل با سه رویداد در ملحقات اناجیل ترسیم می‌شود که به شرح ذیل است:

۱- سرّ بی دینی که حمایت کننده اصلی قدرتهای شریر در حال حاضر است در سرتاسر جهان آشکار می‌شود. (دوّم تسالونیکیان، ۲: ۷) اوج این حرکت در بی‌حرمتی به معیارهای مقدّس کلام الهی است اگر چه عده‌ای وفادار باقی می‌مانند. (مکاشفه، ۷: ۲)

۲- در روزهای آخر بسیاری از مدعیان کلیسا از حقیقت کتاب مقدس دور شده و مرتد^۱ خواهند شد.

۳- برداشته شدن یک مانع یا شخصی است که با این اتفاق، روز خدا آغاز می‌گردد. (دوم تسالونیکیان، ۲: ۷)

ملت یهود در اثر تماس با ایرانیان معتقد به یک منجی یا نجات دهنده شده که مانند «سوشیانس» در آخر الزمان ظهور خواهد کرد؛ این تفکر به دلیل ظلم رومیان به ایشان تقویت یافت و ایمان آنان در انتظار ظهور نجات دهنده‌ای به نام «مسیح» بیشتر شد تا این که بر اثر این اعتقاد جوانی از یهود به نام «یشوع»^۲ ظهور کرد و خود را به دروغ «مسیح موعود» خواند، برخی از یهودیان به او گرویدند و بسیاری او را «دجال»^۳ و دروغ زن شمرده، منتظر مسیح راستین شدند. (مشکور، ۱۵۴)

اما بنا به نظر برخی طرح اعتقاد به ضد‌مسیح را باید همزمان با زندگی حضرت عیسی (ع) دانست؛ مذهبی که مقارن ظهور این پیامبر خدا پدید آمد «گنوسی» یا عرفان ثنوی نام داشت. گنوس از کلمه گنوسیس،^۴ واژه‌ای یونانی و به معنای عرفان و معرفت و دانش است. دوره شکوفایی این مذهب از قرن اول تا سده سوم میلادی است؛ گنوسی‌ها در درون خود دانشمندان کلامی در فلسطین، سوریه، بین النهرین و مصر پرورش دادند. برخی عرفان یهودی^۵ را در پیدایش این مکتب بی تأثیر نمی‌دانند. (نک: همانجا، ۱۹۱) بیشتر پیروان فرق گنوسی از پیروان حضرت عیسی (ع) بودند و او را منجی بشر می‌دانستند؛ آنان بر این باورند که حضرت عیسی (ع) شیطان^۶ را از این جهان رانده و در دایره آتش سیاه به زنجیر کشانده است ولی شیطان در آخر الزمان فرزندی از زن ناپاک به وجود خواهد آورد که دشمن عیسی (ع) است و دجال نام دارد او نژاد بشر را یکسره به زرفنای سقوط رهبری خواهد کرد ولی سرانجام عیسی (ع) بر دجال پیروز خواهد شد. (همانجا، ۱۹۴)

۱- Apostasia

۲- Jesus

۳- Antichrist

۴- Gnosis

۵- Jewish Gnosticism

۶- Satan

«پولس رسول» که از افراد مورد نظر کلیساست به آنتی کرایست معجزاتی نسبت می‌دهد و معتقد است او به قدرت شیطان کارهای خارق العاده ای انجام خواهد داد. (آشتیانی، ۹۲) «آن گاه که بی دین ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت؛ که ظهور او به عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ و به هر قسم فریب ناراستی برای هالکین، از آن جا که محبت راستی را نپذیرد تا نجات یابند...» (دوم تسالونیکیان، ۲: ۱۱-۸)

هم چنین بنا به باور گنوسی‌ها، دجال کسی بوده که بعد از اقامه علیه دعوی مسیح (ع) او را به دست یهودیان سپرده‌است که در پی آن مسیح (ع) را بر صلیب می‌خکوب کردند اما مسیح توانست خود را از صلیب برهاند و در کوه مورا پنهان کند. (مشکور، ۲۲۳) در این زمینه اگر چه در قرآن صحبت از صلیب است اما بحث از صلیب نقل ادعاهای یهود است و گرنه موضع قاطع قرآن حاکی از این است که عیسی (ع) آن شب به اذن الاهی به آسمان رفیع داده شد (النساء، ۱۵۷) و هرگز دست یهودیان به وی نرسید. (نک: همامی و پوراسماعیل، سرانجام عیسی (ع) در مقارنه میان قرآن و عهد جدید، ۵۳)

انگاشته امروزی جامعه مسیحیت به آنتی کرایست

پیروان کلیسای انجیلی آمریکا که حدود یک چهارم جمعیت این کشور یعنی هفتاد میلیون نفر را تشکیل می‌دهند مهم ترین خاستگاه نظری راست گرایان مسیحی است. بر اساس باور آنان بشر همواره در دنیا شاهد نبرد خیر و شر است و بازگشت دوم مسیح در آخر الزمان طی هفت مرحله^۱ صورت می‌گیرد که در حال حاضر ما در مرحله ششم یا مرحله کلیسا هستیم؛ مرحله بعد «آخر الزمان»^۲ خوانده می‌شود که طی آن حضرت عیسی (ع) به سوی زمین رومی‌کند و مومنان را حیات دوباره می‌بخشد. سپس «ضد مسیح» در زمین ظاهر خواهد شد و خود را به دروغ منجی یهودیان می‌خواند. برخی معتقدند آن چه موجب باور برخی به او می‌شود این است که او قادر به اعاده صلحی

۱- Dispensation

۲- End time

ظاهری در خاورمیانه خواهد شد. حکومت ضد مسیح، هفت سال به طول می انجامد و دوره «رنج یا آزمایش بزرگ»^۱ خوانده خواهد شد که بر اساس آن در نیمه اول این دوره، آنتی کرایست صلح ظاهری را برقرار و در نیمه دوم علیه اسرائیل اقدام خواهد کرد که به این ترتیب مجموعه گناهان بشر کامل شده و دوره بی سابقه‌ای برای آزار یهود آغاز می شود تا صحنه برای نبرد نهایی یا «آرمگدون»^۲ مهیا می شود. (فهمیدانش، ۱۶۸) «و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون، می خوانند، فراهم آورند.» (مکاشفه: ۱۶، ۱۶)

با این حال بر اساس باور برخی مسیحیان امروزی شکل گیری حکومت ضد مسیح نزدیک است که در اثر آن یک دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی شدید حاکم خواهد شد به گونه‌ای که حتی برای خرید و فروش معمولی نیز احتیاج به کسب اجازه است. اینان اعتقاد دارند که برای تقویت چنین نظامی یک پیامبر دروغین توانا و یک مذهب جهانی به وجود خواهد آمد. (فهم دانش، ۱۷۱)

در روزگار کنونی به خصوص در آستانه هزاره سوم بسیاری از پیروان کلیسا از افراد دیکتاتور که عامل بسیاری از جنگ‌ها و ویرانی‌های دوران معاصراند، به عنوان آنتی کرایست یا ضد مسیح سوم یاد کردند. این باور از آن جایی شکل گرفته بود که در متون کتاب مقدس شاهد این عبارات هستیم: «جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید... زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی درگیر خواهد شد...». (نک: متی: ۶، ۲۴ و لوقا: ۱۹، ۱۰ و ۲۱، ۱۱-۹)

ملاحظه می شود در حالی که کتاب مقدس، مشخصات آنتی کرایست را دقیقاً بیان نکرده است، شورای کلیسا سعی داشته‌اند با تعیین مصداق، ذهن جامعه را به سمت این قسمت از عبارت ببرند که «الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند» (رساله اول یوحنا، ۲: ۱۸) اما با دقت در ابتدا و انتهای کلام و با توجه به آموزه‌های اسلامی به خصوص بحث «آخر الزمان» می توان به جمع بندی زیر رسید:

۱- دجال، حقیقتی انکارناپذیر در باور مسیحیان است.

۲- هنوز او در اجتماع ظاهر نشده است چرا که می‌گوید: « شنیده اید که او می‌آید» (همانجا، ۴: ۳ و ۴)

۳- ظهور آنتی کرایست در ساعت آخر است. «ای بچه‌ها، این ساعت آخر است و چنان که شنیده اید دجال می‌آید». (همانجا، ۲: ۱۸)

دجال در منابع مأثور

۱- اعتقاد به ظهور دجال

شیعه و اهل سنت در منابع خود از دجال یاد کرده‌اند. در شیعه و در خطبه‌ای اختصاص یافته به دجال، صعصعه بن صوحان، از امام علی (ع) از زمان ظهور وی در جامعه پرسش می‌کند که حضرت با ارائه کامل شرایط زمانی و مکانی وی، ترسیم روشنی از آینده ارائه می‌کند. (نوری، ۱۲/ ۳۲۶)

در اهل سنت، اعتقاد به خروج دجال همسنگ باور مهدویت دانسته شده و منکر آن در شمار کافران معرفی می‌شود؛ جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «من کذب بالدجال فقد کفر، و من کذب بالمهدی فقد کفر» (مقدسی سلمی، ۱۵۷) در نقلی دیگر از رسول خدا (ص)، سه باور مهدویت، خروج دجال و نزول حضرت عیسی (ع) امری ضرور در اعتقاد اسلامی ترسیم می‌شود: «من أنکر خروج المهدی فقد کفر بما أنزل علی محمد، و من أنکر نزول عیسی فقد کفر، و من أنکر خروج الدجال فقد کفر». (جوینی، ۲/ ۳۳۴)

در مآثورات شیعی ظهور دجال از جانب شرق و از سجستان پیش گویی شده است، آن جا که رسول خدا (ص) در حدیثی طولانی با اشاره به حوادث آینده می‌فرماید: «و ظهور الدجال، یخرج بالمشرق من سجستان» (صدوق، کمال الدین، ۱/ ۲۵۰) اشاره شد که بنابر باور شیعی آن چه درباره آینده بیان می‌شود بنا به اراده الهی امکان تغییر دارد.

۲- نشانه‌های ظهور دجال

در قرآن مجید آمده است: «هل ينظرون إلّا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي ربك أو يأتي بعض آيات ربك يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً قل انتظروا إنّنا منتظرون» (الأنعام، ۱۵۸) یعنی: آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگار بیاید، یا لختی از آیات پروردگار تو ظاهر شود؟ روزی که برخی آیات پروردگارت بیاید، برای کسی که قبلاً ایمان نیاورده و یا در ایمان خویش خیری فراهم نکرده، ایمان آوردنش سودی ندارد؛ بگو: منتظر باشید، ما نیز منتظریم.

اشاره روایات تفسیری نقل شده ذیل این آیه را می توان در چهار موضوع خلاصه کرد:

۱- موضوع میثاق فطری خداوند با مردم: هشام بن حکم از امام باقر (ع) نقل می کند در فرموده خداوند «لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل یعنی فی الميثاق أو کسبت فی ایمانها خیراً» قال الاقرار بالانبياء و الاوصياء و امیرالمؤمنین علیه السلام خاصّة قال لا ینفع ایمانها لانها سلبت». (کلینی، ۴۱۲/۱)

۲- نشانه های قیامت که در برخی از روایات فقط به طلوع خورشید از مغرب اشاره دارد. «و هو طلوع الشمس من مغرب» (تفسیر العسکری، ۴۶۵)

۳- ظهور امام زمان (ع): مانند نقل ابوبصیر از امام صادق (ع) ذیل آیه «یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل أو کسبت فی ایمانها خیراً یعنی خروج القائم المنتظر منا ثم قال علیه السلام یا ابا بصیر طوبی لشیعہ قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتہ و المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۳۵۷ / ۲) یعنی: منظور روز خروج قائم منتظر (ع) است. سپس فرمود: ای ابابصیر، خوشا به حال شیعیان قائم ما که در دوران غیبت اش منتظران ظهور او و در هنگام ظهورش مطیع او هستند، اینان اولیای خدا هستند که برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد. در روایتی دیگر علی بن رناب از امام باقر (ع) نقل می کند: «آته قال فی قول الله عز و جل ربک یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل فقال (ع) الآيات هم الأئمة و الآیة المنتظرة القائم (ع) فیومئذ لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل قیامه بالسيف و إن آمنت بمن تقدمه من آبائه علیهم السلام». (همو، ۳۳۶ / ۲)

۴- بیان برخی نشانه‌های ظهور که آن چه مورد نظر ماست اشاره به دجال است. مانند: «معنی تاویلله قوله تعالی «یأتی ربک» ای یأتی ربک بجلائل آیاته باهلاکهم و عذابهم و قوله «بعض آیات ربک» نحو الدابة و طلوع الشمس من مغربها و الدجال و الذخان و غيرها من الآيات و غیر ذلك من علامات ظهور القائم علیه السلام» (استر آبادی، ۱۶۸) یا روایتی که عیاشی از زراره، حمران و محمد بن مسلم نقل می‌کند: «عن أبي جعفر و أبي عبد الله ع فی قوله «ربک يوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً» قال طلوع الشمس من المغرب، و خروج الدابة و الدجال، و الرجل یكون مصراً و لم یعمل علی الإیمان ثم تجيء الآيات فلا ینفعه إیمانه» (همو، ۳۵۳/۱) یعنی: مقصود از این آیات، طلوع آفتاب از مغرب و خروج جنبه از زمین و دجال است که اگر انسان به گناه اصرار بورزد و عمل ایمانی به‌جا نیاورد و این آیه‌ها ظاهر شود، ایمانش سودی نخواهد داشت.

۳- سرانجام دجال

عاقبت جنگ میان دجال و امام زمان(ع) با غلبه و پیروزی یاران منجی حقیقی همراه است؛ روایات فریقین پیرامون موضوع از میان بردن دجال را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- دسته‌ای از روایات امام عصر (علیه السلام) را از میان برنده دجال معرفی می‌کند: به عنوان مثال از امام صادق (ع) نقل شده است که «القائم الذی یقوم غیبه فیقتل الدجال» (صدوق، ۲ / ۳۳۵) یا از حضرت سجاد (ع) نقل است که فرمودند: «المهدی الذی یقتل الدجال» (همانجا) در خطبه ای که از امام علی (ع) در صدر کلام اشاره شد، حضرت زمان و مکان دقیق این رویداد را مشخص می‌کنند: «یقتله (الدجال) الله عزوجل بالشام علی عقبه تعرف بعقبه افیق لثلاث ساعات مضت من یوم الجمعة علی ید من یصلی عیسی بن مریم خلفه» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۵۲۵/۲)

۲- دسته‌ای دیگر از روایات فاعل قتل را به حضرت عیسی (ع) نسبت داده‌اند: در شیعه در تفسیر فرات کوفی در حدیث معننی از امام باقر (ع) نقل شده است: «سیأتی

على الناس لا يعرفون والله ما هو التوحيد حتى يكون خروج الدجال و حتى ينزل عيسى بن مريم من السماء و يقتل الله الدجال على يده» (همو، ۴۴) در منابع اهل سنت این دسته روایات بیشتر دیده می‌شود؛ مانند: «ينزل عيسى فيقتله» (احمد بن حنبل، ۷۵/۶)؛ «فبينت هو كذلك اذ بعث الله المسيح بن مريم فينزل... فيقتله ثم يأتي عيسى بن مريم قوم عصمهم الله عنه». (نیشابوری، ۲۲۵۰/۴)

در جمع این روایات با توجه به اعتقاد مسلمانان به بازگشت حضرت عیسی (ع) و مقام وزارت وی در حکومت آینده جهان به رهبری امام زمان (ع) باید گفت که هر دو دسته روایات قابل اعتنا و پذیرفتنی است به عبارت دیگر دسته اول روایات از میان بردن دجال را به رهبر این حکومت جهانی و دسته دوم به وزیر این حکومت انتساب می‌دهد.

نتایج مقاله

بر اساس ادیان ابراهیمی، انسانی از جانب خدا، عدالت را در سراسر گیتی برپا خواهد کرد که بر مبنای تعالیم اسلامی، ایشان دوازدهمین فرزند پیامبر اسلام، حضرت مهدی (علیه السلام) و بر مبنای نظر مسیحیان، حضرت عیسی (ع) است. در برابر این منجی دشمنی به نام دجال قرار دارد که با کمک شیطان توان مند است؛ وی با برقراری صلح در برخی مناطق جغرافیایی و جا زدن دروغین خویش به موعود، گروهی را به سمت خود جذب می‌کند.

آموزه‌های انجیل، دجال را کسی معرفی می‌کنند که مسیح بودن حضرت عیسی (ع) را انکار می‌کند، همچنین زمان ظهور وی را ساعت آخر می‌نامند که می‌توان آن را با مفهوم اسلامی «آخر الزمان» تطبیق نمود؛ به اعتبار سخنان یوحنا؛ هم اکنون نیز آنتی کرایست در جهان وجود دارد که این مطلب باور امروزی بسیاری از اهل کلیسا را به خود جلب کرده است تا جایی که سعی داشته‌اند مصادیقی از دجال را در هر زمان به جامعه معرفی کنند. اعتقاد به آنتی کرایست در جامعه مسیحی همزمان با حضور عیسی (ع) شکل می‌گیرد؛ اگر چه بسیاری از اوقات مسیحیان جهان در تعیین مصداق حقیقی آن دچار اشتباه شده‌اند، این خطا از عبارتی از انجیل نشأت می‌گیرد که به هنگام معرفی

دجّال، اشاره به حضور وی در اجتماع شده است؛ باین گمان با رویکرد بسیاری از مسیحیان به آنتی کرایست باید هر زمان حضور دجّال را در جامعه احساس کرد.

برعکس در روایات اسلامی به ظهور دجّال صرفاً در آخر الزّمان اشاره شده و از وی به عنوان کسی که رویاروی حکومت عدالت گستر قد علم خواهد کرد، یاد شده است؛ روایات در این زمینه به شرایط زمانی و مکانی قیام او، مبداء خروج و فعالیت‌های او اشاره می‌کند و تصویر دقیقی تری را از اناجیل در اختیار ما قرار می‌دهد تا جایی که با صراحت درباره کشته‌آن سخن می‌گوید.

قاتل دجّال در منابع اسلامی از حیث رهبری حکومت آینده، امام زمان (ع) و از حیث وزارت حضرت عیسی (ع) در دستگاه حکومت امام عصر (ع)، ایشان معرفی شده است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ترجمه‌ی کتاب مقدس، انتشارات ایلام، چاپ سوم، ۲۰۰۲ م.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۴- احمد حنبل، مسند، مصر، چاپ میمنه، ۱۳۱۳ هـ.ق.
- ۵- آریا، غلامعلی، آشنایی با تاریخ ادیان، بی‌جا، انتشارات پایا، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۶- آشتیانی، جلال الدین، تحقیقی در دین مسیح، تهران، نشر نگارش، چاپ اول، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- ۷- بینا، محسن، عیسی از دیدگاه قرآن، مترجم و محقق، چاپ اول، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۸- پوراسماعیل، احسان، آینده بشریت از دیدگاه قرآن و عهد جدید، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۹- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، بیروت، موسسه المحمودی للطباعة و النشر، بی‌تا.
- ۱۰- راشد محصل، محمد تقی، نجات بخشی در ادیان، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- ۱۱- همو، اندر ساخت (ترکیب) مردمان، مجله چیستا، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- ۱۲- زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف عن غوامض التنزیل و...، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۱۳- شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۲۵۳۶ هـ.ش.
- ۱۴- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، تهران، مکتبه الصدر، بی‌تا.

- ۱۵- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، مشهدی، چاپ دوم، بی تا.
- ۱۶- همو، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ هـ.ق.
- ۱۷- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ هـ.ق.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.
- ۱۹- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
- ۲۰- عسکری، سید مرتضی، عقاید اسلام در قرآن کریم، ترجمه‌ی عطا محمد سردار نیا، تهران، مجمع علمی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۲۱- فهیم دانش، علی، مسیحیان صهیونیسم را بهتر بشناسیم، پیشگویی‌ها و آخر الزمان، تهران، موعود عصر (ع)، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۲۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۲۳- کارینتر، همفری، عیسی (علیه السلام) ترجمه‌ی حسن کامشاد، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۲۴- کهن، آبراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه‌ی میر فریدون کرگانی، تهران، بی نا، ۱۳۵۰ هـ.ش.
- ۲۵- مقدم، محمد، جستار درباره‌ی مهر و ناهید، تهران، انتشارات مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها، دفتر نخست، ۲۵۳۷.
- ۲۶- مقدسی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قاهره، مکتبه عالم الفکر، بی تا.
- ۲۷- مشکور، محمد جواد، خلاصه‌ی ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، تهران، انتشارات شرق، چاپ دوم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۲۸- معارف، مجید، شناخت حدیث، تهران، نیا، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۲۹- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه‌ی حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۳۰- ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۳۱- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۳۲- هاکس، جمیز، قاموس کتاب مقدس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۳۳- هامی، عبّاس و یوراسماعیل، احسان، سرانجام عیسی (ع) در مقارنه‌ی میان قرآن و عهد جدید، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.

۳۴- همان دو، رویکرد اسلام به عهد جدید، صحیفه مبین، شماره ۳۹، زمستان و بهار ۸۶-۱۳۸۵ هـ.ش.

۳۵- هلی، هنری، راهنمای کتاب مقدس، ترجمه جسیکا باباخانیان، پابلیشر - publisher - بی.تا.
۳۶- نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، تحقیق محمد فواد عبد الباقي، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ هـ.ق.

(دایره المعارف کاتولیک). ۱۱- The Catholic Encyclopedia, Volume ۲۷-

